دریچه

چند آمریکایی می‌دانند؟

توماس فریدمن
ترجمه:مرجان یشایایی

■ در جریـان گفت‌وگویی که چندی پیـش «اوباما» با گروهی از فارغ‌التحصیلان در «سیاتل» داشت یکی از آنان موضوعی را مطرح کرد که مرا به تعجب وا داشت. او گفت هرچند ایالت آنان نتوانسته با برنامه تحول آموزشی اوباما با نام «تلاش برای رسیدن به قله» همراه شود، اما اجرای این برنامه برای بهبود نظام آموزشـی در ایالت واشنگتن امری حیاتی اسـت. به این حرف‌ها که گوش می‌دادم به فکرم رسید که اوباما چگونه می‌خواهد دوباره در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کند در حالی که حرفی از کارهای بسیاری که به انجام رسـانده در جایی شنیده نمی‌شود. اوباما سخنور بزرگی اسـت ولی وقتی پای توضیح درباره دسـتاوردهایش به میان آید یا آنجا کـه او باید آنها را به جامعه عرضه کند یا با جسارت و به دفعات با مردم ارتباط بگیرد تا نظر آنان را درباره موضوعات مختلف بداند، می‌شود بدترین رییس‌جمهوری که تا به‌حال دیده‌ام.

به این فکر کنید که آیا امروز کسـی در آمریکا وجود دارد کـه پرونده‌ای بـرای دریافت بیمـه درمانی برایش تشکیل نشـده باشـد و در نتیجه در آینده‌ای نزدیک از خدمات درمانی برخوردار نشود؟ ولی چقدر از مردم آمریکا می‌دانند که تنها دو سال پس از آنکه لایحه پوشش بیمه همگانی اوباما به صورت قانون درآمده هر آمریکایی دارای پرونـده تحت پوشـش بیمه قرار خواهـد گرفت؟ حزب جمهوری‌خواه می‌گوید «لایحه درمان اوباما پزشکی ما را سوسیالیسـتی کرده.» و نمی‌دانم چرا کسی به این خبر خوب توجه نمی‌کند اجرای کامل قانون بیمه همگانی اوباما نقطه پایانی بر این سیاست خواهد بود. حال اوباما -قهرمان بیمه‌های خصوصی برای همه- نام خود را به عنوان رهبر پزشکی سوسیالیستی هم برجسته کرده. به این فکر کنید که اوباما صنایع خودروسـازی ما را از ورشکستگی نجات داد. تنها دو سـال پس از رسـیدن به ریاست‌جمهوری او صاحبان صنایع خودروسـازی آمریکا را پای توافقی آورد که فرمـول یک گالن بنزین برای ۲۷/۵ مایل را تا سـال ۲۰۲۵ برسـانند به یک گالن بنزین برای هر ۵۷/۵ مایل. طبق گفته سـایت «پاپیولار مکانیکس» این بزرگ‌ترین فرمان مربوط به صرفه‌جویی سوخت در تاریخ آمریکاست. و در آخـر، اوباما چگونه با این دوگانگی کنار آمد بی‌آنکه قانون کاهش مالیاتی سـلف خود بوش را دست بزند ما را از یک ورشکسـتگی قطعی نجات دهد. این را باید گفت «انفجار کسـری بودجه بوش» یا «نجات به‌دست اوباما». شک نیست که کسری بودجه در زمان اوباما افزایش داشته اما این بیشتر به دلیل آن بوده که ما از یک رکود اقتصادی حاصل از باده‌نوشـی‌های دوره «بـوش» در امان بمانیم. بحرانی که بخشی از آن را دو جنگ بزرگ برای آمریکا به ارمغان آورد که برای نخستین بار در تاریخ ما هزینه آن از راه افزایش مالیات‌ها تامین نشد بلکه برای تامین هزینه‌های جنگ‌ها مجبور شـدیم برخی برنامه‌های زیربنایی مانند پرداخت هزینه داروهای بیمه سالمندان را کنار بگذاریم. البته دموکرات‌های کنگره هم برای خبط کاهش مالیات‌ها بی‌تقصیر نیستند. اوباما سخنور ماهری است. اما باید امروز از عهده «رامنی» برآید، هم با گفتن از آنچه کرده و هم با روبه‌رو شـدن با آنچه نکرده. طبق آنچه «پیتر اورسزاگ» مدیر سـابق خزانه‌داری آمریکا می‌گوید: «برای به گردش درآوردن دوباره چرخ اقتصاد در دو سـال گذشته نیازمند جسـارتی همه‌جانبـه بوده‌ایم. یعنی باید همپای رشـد اقتصادی محرک‌هایی برای امور زیربنایی داشته باشیم که میزان اشـتغال را بالامی‌برد و با کمک گرفتن از برنامه‌ای معتبر که از پشـتیبانی هر دو حزب برخوردار بود قدرت بهره‌وری و امنیت اجتماعی و بیمه سـالمندان را افزایش می‌دادیـم و با انجام اصلاحات مالیاتی امور مالی‌مان را در درازمدت به سامان می‌رساندیم.»به طور خلاصه، نیازمند محرک‌هایی بیش از این هسـتیم که نگاهی هماهنگ با برنامه کمیسیون سیمپسون-بول (کمیسیونی مرکب از دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات برای چاره‌جویی مشکل کسری بودجه) داشته باشند. اورسزاگ معتقد است مشکل بتوان با اتکای تنها بر یکی از این راهکارها مشکل را حل کرد. باید مجموعه‌ای از اقدامات اقتصادی را به کار گرفت.

از حـق نباید گذشـت که اوباما در مذاکـره با «جان بوئنر»، سـخنگوی کاخ سـفید، تلاش کرد تـا به نوعی توافق بین دو حزب برسـد. با شکسـت این مذاکرات اما رییس‌جمهور اشتباه بزرگی مرتکب شد. همان موقع باید رو به مردم می‌کـرد و به تکرار می‌گفت که من برنامه‌ای داشـتم که می‌توانست میلیون‌ها شـغل ایجاد کند و با عمل بـه راهکارهای کمیسـیون سیمپسـون-بول بازار سهام را در کوتاه‌مدت بهبود بخشد، اما جمهوری‌خواهان راهش را سـد کردند. اوباما به صورتی سمبولیک هم که شده باید با کمیسیون سازگار می‌شد و راه‌حل‌های آن در مورد کسـری بودجه را فصل‌الخطاب قرار می‌داد. چراکه کمیسیون هم از پشتیبانی برخی جمهوری‌خواهان و هم نمایندگان مستقلی برخوردار است که مایلند هر دو حزب را به توافق وادار کنند. اگر اوباما به طور مسـتقیم با مردم سخن می‌گفت و به آنان محرک‌های اقتصادی کوتاه‌مدتی که کمیسـیون هم از آنها حمایت می‌کند عرضه می‌کرد می‌توانست چپ‌ها، نمایندگان مستقل و راست میانه را با خود همراه سازد، شکافی در جمهوری‌خواهان ایجاد کند و جایگزینی واقعی برای برنامه‌های رادیکال رایان- رامنی به وجود آورد. به جای این کار اوباما به حامیان چپ خود در حزب دموکرات بسنده کرد و بی‌آنکه حرفی از محرک‌های اقتصادی کمیسیون به میان آورد مساله «عدالت» را پیش کشید. نتیجه، یک پیام مبهم و ریزش رای‌های مستقل‌ها و راست میانه بود، یعنی همان کسانی که در ۲۰۰۸ آرایشان باعث به قدرت رسـیدن او شـده بود. اشتباه نکنید! من هم طرفدار عدالتم. اما عدالتی برآمده از رشـد اقتصادی و اصلاحات همه‌جانبه مالیاتی، نه بذل و بخشش جیره اندکی که باقی مانده است.

سرپیچی از «انجیل»

ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

عکس: AP

در روزهای عادی تنها ۱۲ دقیقه با ماشین از این به اصطلاح گتـو تا آن دنیای تجاری پـر زرق و برق و بـه عبارت بهتر از کلیسای ترینیتی تا مرکز شهر شیکاگو فاصله است. اما در آن روز یکشنبه‌ای که نشست سـران ناتو در مرکز مک کورمیک شیکاگو برگزار می‌شد، فاصله بین این دو دنیا به ساعت‌ها رسید. زیرا تظاهرکنندگان رفت و آمد وسایل نقلیه را فلج کرده بودند و خیابان‌ها توسط نیروهای پلیس مسدود شده بود.

زیرا باراک اوباما در این شـهر حضور داشـت و باید از وی محافظت می‌شـد، همان مردی کـه زمانی انجمن ترینیتی و کلیسـای آن را که کلیسای بزرگ سیاهان در جنوب شیکاگو به شمار می‌آید به مانند خانه خود می‌دانست.

دوسـت قدیمی اوباما یعنی جناب کشیش «اوتیس موس سوم» در مقابل در انجمنی ایستاده است که زمانی اوباما در آن عضویت داشت. دوستی میان او و این کشیش کلیسای ترینیتی به قبل از رییس‌جمهور شـدن اوباما برمی‌گـردد. در آن زمان اوباما در میان مردان سیاه پوش و زنانی که کلاه‌های رنگارنگ و لباس‌های زیبا بر تن داشتند روی همان نیمکت‌های کلیسا می‌نشست.

مراسـم دعا و عبادت سـه سـاعت به طـول می‌انجامد و حاضران ضمن خواندن ترانه‌های سیاه به گرامیداشت جنبش رهایی‌بخش سیاهان می‌پردازند. در آن یکشنبه نیز همه چیز به ماننـد زمانی بود که اوباما هنوز یکـی از آنان و امید بزرگ سیاهپوستان آمریکا به حسـاب می‌آمد. اما آیا اوباما هنوز هم چنین موقعیتی دارد؟

«به هیچ عنوان قصد ندارم شـما را بـه کاری وادار کنم»، کشیش موس این جمله را خطاب به اعضای انجمن و با حالتی می‌گوید که گویی می‌خواهد از یک فاجعه جلوگیری کند. او از جمله کسانی است که هنوز هم نسبت به رییس‌جمهور تعصب دارند: «نباید به تلقین‌های کسانی گوش کنید که می‌گویند این بار نباید رای بدهید.» صدای کشیش هر لحظه بلندتر می‌شود و سـپس با لحنی آهنگین تکرار می‌کنـد: «رای بدهید! رای بدهید!» بعد از آن عبادت ویژه سـیاهان با موسیقی هیپ‌هاپ آغاز می‌شود. کشـیش موس می‌گوید: «اگر از حق رای خود استفاده نکنید به جنبش مدنی و به برادرمان مارتین لوترکینگ خیانت کرده اید.»

کشیش موس به مدت چهار سال هرگاه که از وی در مورد اوباما سوال می‌شد سکوت می‌کرد و در هیچ مصاحبه‌ای شرکت نمی‌کرد و در هیچ مناظره جنجال‌برانگیزی حضور نمی‌یافت زیرا از نظر وی در این نشست‌ها به مومنان تلقین می‌شد که اوباما تنها مشکلات را بیشتر کرده است. کشیش موس همواره نگران این بود که تاکید و تکرار گناهان تاریخی سفید پوستان آمریکا یا همان برده‌داری موجب رنجش طرفداران سفید پوست اوباما شود. اما امروز هم شعارهای صریح این کشیش و کلیسای اوباما وحشـت برخی سفیدپوستان آمریکا را برانگیخته است. با این همه در آن روز یکشنبه مساله بر سر رای‌دهندگان سفیدپوست نبود و موضوع بحث خطری بود که می‌تواند موجب رویگردانی انجمن سیاهان ترینیتی از رییس‌جمهور و به عبارتی از «اولین رییس‌جمهور سیاهپوست آمریکا» شود.

کار اوباما به جایی رسیده است که چندی پیش و در آستانه نشسـت سران ناتو، مجله نیوزویک با چاپ عکسی از وی روی جلد خود تیتـر زد: «اولین رییس‌جمهور همجنس‌گرا». رنگ زمینـه این عکس نیز نماد همجنس‌گرایان بود. در برنامه‌های تلویزیونی هم همه از این اقدام گستاخانه اوباما در به رسمیت شناختن ازدواج همجنس‌گرایان صحبت می‌کنند. تا امروز تنها در چند ایالت آمریکا این مساله به رسمیت شناخته شده است. حال ظاهرا همجنس‌گرایان کاندیدای جدیدی کشف کرده‌اند که می‌خواهد به هر قیمت ممکن در انتخابات آینده به پیروزی برسـد. اما مساله اینجاست که اکثریت بزرگی از سیاهپوستان آمریکا به شـدت با همجنس‌گرایی مخالفند و آن را یک گناه و خیانت می‌دانند.

هنگامی که چند هفته پیش اوباما تصمیم گرفت که برخلاف آنچه نشان داده بود از ازدواج دو همجنس حمایت کند، به خوبی می‌دانسـت که دسـت به چه کار مخاطره آمیزی می‌زند؛ زیرا هنوز هـم همجنس‌گرایی در جامعه سیاهپوسـتان یک تابو محسوب می‌شود. بر پایه نظرسنجی‌ها ۶۵درصد از سیاهپوستان همجنس‌گرایی را امری مذموم قلمداد می‌کنند و این رقم البته در میان سفید پوسـتان به ۴۸درصد می‌رسد. هنگامی که در سال ۲۰۰۸ برای به رسمیت شناختن ازدواج همجنس‌گرایان همه‌پرسی برگزار شـد، بیش از ۷۰درصد از سیاهپوستان این ایالت به آن رای منفی دادند. هنگامی که در ژانویه ۲۰۰۹ باراک اوباما وارد کاخ سفید شد غالب کشورهای جهان او را ستودند اما این انتخاب برای هیچکس به اندازه سیاهپوستان آمریکا اهمیت نداشت. ۹۶درصد از سیاهپوستان به اوباما رای دادند و از عشق او به پای صندوق‌ها رفتند و بسیاری از آنان برای اولین بار بود که رای می‌دادند. البته هنوز هم با وجود همه امیدهایی که اوباما ناامید کرد بسیاری از آنان از وی حمایت می‌کنند. نرخ بیکاری در میان سیاهان به مانند گذشته ۱۳درصد است و این در حالی است که نرخ متوسط بیکاری در سراسر کشور به هشت‌درصد می‌رسد. ۱۱درصد از سیاهپوستان در جریان بحران اقتصادی خانه‌های خود را از دسـت داده‌انـد و حال اوباما برای اولین بار نسبت به از دسـت دادن رای این جمعیت ناامید نگرانی دارد، جمعیتی که بدون آن اوباما در انتخابات بازنده خواهد بود.

اما حمایت اوباما از ازدواج همجنس‌گرایان به ناامیدی‌های این جمعیت افزود. همجنس‌گرایی با فرهنگ سـیاهان یعنی فرهنگی که مردی و مردانگی در آن از جایگاهی ویژه برخوردار است به هیچ عنوان همخوانی ندارد. «چارلزاستیونس» نویسنده سیاهپوست آمریکایی می‌نویسد: «ما سیاهان در عصر برده‌داری به اندازه کافی تحقیر شده‌ایم و حال می‌خواهیم آنچه را برایمان باقی مانده است حفظ کنیم.» بر پایه گزارش‌ها غالب قتل‌های با انگیزه مخالفت با همجنس‌گرایی از سوی سیاهپوستان صورت گرفته است.

از سوی دیگر هیچ نهادی به اندازه کلیسا بر سیاهان آمریکا نفوذ ندارد. کلیسـا کانون زندگـی اجتماعی آفروآمریکن‌ها به حسـاب می‌آید و ۲۲درصـد از آنان بیـش از یک‌بار در هفته به کلیسـا می‌روند و این رقم دو برابر سـفید پوسـتان است. سیاهپوستان به آنچه کشیش می‌گوید و به آنچه در انجیل آمده اسـت اعتقاد دارند و انجیل ازدواج را تنها میان مرد و زن مباح می‌داند.

از سـوی دیگر اوباما همـه تلاش خود را کرد تا شـاید از زیان‌های قابل پیش‌بینی این اقدام خود بکاهد. به همین دلیل شـخصا برای توجیه این اقدام با هشـت کشیش سیاهپوست تمـاس گرفت که یکـی از آنان «اوتیس مـوس جونیور» پدر اوتیس موس سـوم بود. موس جونیور یکی از همکاران نزدیک لوترکینگ بوده است. با این حال حتی کشیش‌هایی که مدت‌ها از اوباما طرفداری کرده بودند نیز به شدت وی را مورد انتقاد قرار دادند. کشـیش «دوایت مک کیسیک» از ایالت تگزاس گفت: «اوباما به انجیل خیانت کرده اسـت.» کشیش «ویلیام اونس» از ممفیس نیز از «به گروگان گرفته شدن جنبش مدنی توسط همجنس‌گرایان» شکایت کرد و گفت: نمی‌توان حقوق مدنی را در مورد همجنس‌گرایان صادق دانست: «همجنس‌گرایان خود انتخاب کرده‌اند که به این صورت زندگی کنند و سیاهپوستان هرگز چنین انتخابی نداشته‌اند.»

اونـس در حال حاضـر تهدید می‌کند که انتخـاب دوباره اوباما را به چالش خواهد کشـید. او نیز یکشنبه هر هفته علیه حمایت اوباما از ازدواج همجنس‌گرایان سخن می‌گوید. افزون بر آن، اونس گروهی ۱۳نفره از کشیش‌های سیاهپوست را در تنسی تشـکیل داده که وظیفه آنان مخالفت با اوباماست. این افـراد صراحتا اعلام کرده‌اند در صورتـی که اوباما از اقدام خود برائـت نجوید آنان هم از پیروان خود خواهند خواسـت که به وی رای ندهند.

امـا اوتیس موس خطاب به این بـرادران دینی خود یعنی آن ۱۳ کشیش می‌گوید: «شما هرگز اقدامی علیه نژادپرستی، نابرابری و خشونت پلیس انجام نداده‌اید.» او در نامه‌ای سرگشاده می‌نویسد: «نهاد خانواده با سخنان اوباما دچار تزلزل نمی‌شود. این نهاد سـال‌ها پیش و زمانی متزلزل شـد که مردان زنان را مایملک خود و فرزندان را نشانه‌ای از توانایی‌های جنسی خود تلقی کردند.»

کشیش موس در همان روز یکشنبه که نشست سران ناتو برگزار می‌شـد نیز این نامه سرگشاده را در حضور طرفدارانش خوانـد و به نقل از پدرش گفت: «نیاکان ما ۳۸۹ سـال تمام دعا می‌کردند که روزگاری یک سیاهپوست به کاخ سفید برود. شما دویست شـورش بردگان را تجربه کرده و در ۱۱ جنگ و یک جنگ داخلی که ۶۰۰هزار قربانی داشت شرکت جسته‌اید. اجازه نخواهم داد که چند کشـیش و سیاستمدار تنگ‌نظر و عقب افتاده از اینکه من از حق رای خود استفاده نکنم خوشحال شـوند.» و سپس کشیش موس در سـخنانی این توقع را که رییس‌جمهور موضع مذهبی داشته باشد امری ناممکن خواند و گفت: «او رییس‌جمهور باپتیست‌ها نیست. او وظیفه دارد که از حقوق یهودی و غیریهودی، مرد و زن، پیر و جوان، سـیاه و سفید و مومن و غیرمومن دفاع کند.»

لحن سـخنان کشیش موس شباهت زیادی به لحن اوباما در انتخابات سـال ۲۰۰۸ دارد. اوباما در آن زمان وعده تغییر و آشـتی ملی می‌داد و تاکید داشـت: «چیزی به نام آمریکای سفید و آمریکای سـیاه وجود ندارد. ما یک آمریکا داریم و آن ایالات متحده آمریکاست.» و از قرار معلوم حمایت امروز اوباما از ازدواج همجنس‌گرایان هم چیزی از جنس همان وعده‌های بزرگی است که قرار بود صفحه جدیدی در تاریخ طولانی مبارزه فرهنگـی در آمریکا باز کند. به احتمال قوی اوباما با این عمل خود در نظر دارد بار دیگر چهره آن جادوگر سال ۲۰۰۸ را احیا کرده و به نمایش بگذارد.

امـا ایـن بار بسـیار بعید بـه نظـر می‌آید کـه اکثریت رای‌دهندگان با این تصمیم حساب شده رییس‌جمهور همراه شده یا همجنس‌گرایان ثروتمند حاضر شوند که حمایت مالی از وی را قبـول کنند. زیرا بعد از چهار سـال همه می‌دانند که وعده‌های اوباما برای ساختن «آمریکایی در خدمت همه» حرف پوچی بیش نبوده اسـت. حتی بسـیاری از حامیان سرسخت اوباما نیز امروز از وی حمایت نمی‌کنند. «کورنل وست» استاد سیاهپوسـت دانشگاه‌های آمریکا که زمانی از طرفداران پر و پا قرص اوباما بود، می‌گوید: «اوباما شبیه نویسنده‌ای است که به تولستوی و پروست اشتیاق دارد اما خودش فقط داستان‌های کوتاهی می‌نویسد که مناسب چاپ در مجله‌های متوسط است. من از اوباما پروست و تولستوی را انتظار داشتم اما او تبدیل به روی جلد نیوزویک شد.»

منبع:اشپیگل

روزنه

کاتولیک‌ها علیه «اوباما»

■ شـاید باراک اوباما به کسب پیروزی چشمگیری در انتخابات ریاست‌جمهوری ماه نوامبر آمریکا چشم دوخته باشد؛ از نوعی که «رونالد ریگان» در سال ۱۹۸۴ کسب کرد. اما جو سیاسی کنونی واشنگتن حاکی است که به احتمال بسیار در بهترین حالت، به شیوه جورج بوش در سـال ۲۰۰۴ به کاخ سفید باز خواهد گشت. در این دور انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، آمریکاییان به غایت بر مسایل اقتصادی تمرکز کرده‌اند و مسایل فرهنگی را در اولویت دوم قرار داده‌اند. با این وصف، مسایل فرهنگی- و از میان آنها اندیشه‌های مذهبی- همچنان مهم و پررنگند.

مواضع اوباما درخصوص جلوگیری از بارداری و طرح عرضه قرص‌های ضدبارداری به رایگان یا مشمول بیمه قرار دادن‌شان، درمورد ازدواج همجنس‌گرایان، بسیاری از کاتولیک‌ها را از جمع هواداران او خارج کرده است.

مذهب مشـترک، معادل‌داشـتن عقاید سیاسـی مشترک نیسـت. کاتولیک‌های بسـیار متدین، اغلب، جمهوری‌خواهند. در این حال، به‌رغم آنکه کاتولیک‌ها از حیث نهادهای مذهبی، از یکپارچگی بیشتری برخوردارند، دست‌کم به اندازه پروتستان‌ها از تنوع آرا و عقاید سیاسی برخوردارند. کاتولیک‌های لاتین تبار- که جمعیت زیادی در آمریکا به شمار می‌روند- اندیشه‌های دینی لیبرال‌تری دارند، اما بسیاری از شهروندان سفیدپوست آمریکایی که نقشی تعیین‌کننده در سرنوشـت اوباما دارند، اکنون از او برائت می‌جویند. مرکز معتبر نظرسـنجی «پیو» طی ماه گذشته اسـتنتاج کرده که محبوبیت اوباما در میان کاتولیک‌ها در این دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری، از ۵۳درصد به ۳۷درصد تنزل یافته است. این درحالی است که در دوره گذشـته انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، ۵۴درصد کاتولیک‌های آمریکا به اوباما رای دادند.

نظرسـنجی دیگری که به‌تازگی توسـط موسسـه نظرسنجی معتبر گالوپ انجام گرفته، نشان می‌دهد که حمایت کاتولیک‌ها از باراک اوباما به ۴۶درصد رسـیده است. اعتراض اصلی کاتولیک‌ها به رییس‌جمهوری آمریکا که به کاهش میزان محبوبیت او انجامیده، به تاکید او بر نیاز جامعه به داروهای رایگان یا بیمه شـده ضدبارداری است.

بـه این همـه، باید افزود که وزیر بهداشـت کابینه آقـای اوباما خود، مایه خشـم و مخالفت کاتولیک‌های سنتی است. خانم کاترین سبلیوس برای اتخاذ تصمیم درخصوص ارایه داورهای ضدبارداری با وزارت دادگستری مشورت نکرده و خود نیز در شهادتش در کنگره آمریکا به این امر اشاره کرده است؛ آنچه کاتولیک‌ها «اعتراف» وی به این سیاست خوانده‌اند. مومنان کاتولیک از این اتخاذ موضع و این اعتراف ناخرسندند و آن را نشان بی‌اعتنایی به دین قلمداد می‌کنند.